



اسم جنس در فارسی معاصر^۱

مهرداد مشکین فام^۱

مقاله پژوهشی

چکیده

از آن‌جا که درک «اسم جنس» در زبان‌ها همواره مسئله دشواری بوده، از بررسی این مقوله دستوری به‌طور دقیق و جامع غفلت شده‌است. در این مختصر، نخست به بررسی و تشریح انواع اسم جنس از لحاظ معنایی پرداخته‌ایم. علاوه بر این، نشان داده‌ایم که مقوله اسم جنس، یکی از انواع طبقه «نکره» نیست، به عبارتی امکانات دستوری نکره توانایی رمزگذاری اسم جنس را ندارند و اسم جنس در زبان فارسی به‌عنوان یک مقوله دستوری مجزا فقط با بهره‌گیری از نشانه جمع و بی‌نشانگی رمزگذاری می‌شود. در همین راستا، با ارائه استدلال‌هایی این مهم تبیین شده‌است که دو مفهوم «نامشخص» و «جنس»، علی‌رغم شباهت ظاهری، کاملاً از یک‌دیگر متمایز هستند. در این پژوهش، ضمائر جنس نیز معرفی شده‌اند که حاصل فرآیند دستوری‌شدگی هستند.

کلیدواژه‌ها: اسم جنس، نکره، نامشخص، فارسی، نقش‌گرایی.

۱- مقدمه

اسم جنس^۱، گروه اسمی‌ای است که به یک طبقه از اشیاء و نه به یک شیء خاص، اشاره دارد (کرک و همکاران^۲، ۱۹۸۵:۲۶۵؛ طباطبایی، ۱۷:۱۳۹۵)؛ مراد از اشیاء در این تعریف، هر چیزی اعم از ملموس و انتزاعی است. در زیر دو نمونه از کاربرد اسم جنس بی‌نشانه در زبان فارسی قابل مشاهده است:

۱. مثل گره که با موش بازی می‌کند. (هدایت، ۱۱:۱۳۳۰)

۲. رو دریا کشتی نبود. (چوبک، ۳۵:۱۳۹۵)

در هر دو نمونه بالا، منظور هر چیزی است که بتوان آن را «گره»، «موش» یا «کشتی» نامید و مراد مصداق خاصی نیست. به عبارتی، نه گوینده و نه شنونده مصداق خاصی را در ذهن ندارند.

به‌طور کلی در زبان‌های جهان تاکنون توجه چندانی به مقوله اسم جنس نشده است (هلیدی^۳ و حسن^۴، ۱۹۷۶:۲۷۴؛ پارتینگتون^۵، ۱۹۹۸:۹۰؛ مالبرگ^۶، ۲۰۰۵:۱). بنابراین، طبقه‌بندی روشمندی از این عنصر زبانی در زبان‌های جهان در دسترس نیست. به همین ترتیب، بر سر مقوله اسم جنس در زبان فارسی نیز پژوهشگران این حوزه توافق نظر ندارند و تا کنون این عنصر زبانی در یک چارچوب مشخص مورد بررسی قرار نگرفته است. پژوهشگران تنها به تعریف اسم جنس بسنده کرده‌اند و طبقه‌بندی مشخصی از این عنصر دستوری به دست ندادند؛ آن‌ها نظرات متفاوتی در مورد این مهم اظهار می‌دارند. برای نمونه، برخی پژوهشگران اسم جنس را معرفه^۷ می‌دانند (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۹۴؛ معین، ۱۳۴۲)، درحالی‌که برخی دیگر این عنصر زبانی را در مقام یک طبقه مجزا در زبان فارسی معرفی می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۵؛ شریعت، ۱۳۷۱).

هدف این پژوهش، نخست طبقه‌بندی اسم جنس در زبان فارسی براساس الگوی بنینگ‌هون^۸ (۲۰۱۸) از لحاظ معنایی به منظور ارائه تصویری واضح از این مقوله دستوری است. علاوه بر این، در این پژوهش برآنیم تا دریابیم که آیا در فارسی امکانات دستوری نکره^۹ توانایی رمزگذاری اسم جنس را نیز دارند، زیرا هاینه^{۱۰} (۱۹۹۷) مرحله‌ای را در تکوین امکانات دستوری نکره در زبان‌های جهان معرفی می‌کند که مصداق اسم مورد نظر نه برای گوینده و نه برای شنونده مشخص است؛ آیا این امکان دستوری در این مرحله اسم جنس را نیز رمزگذاری می‌کند؟ یا این‌که آیا به‌طور کلی، دستوری‌شدگی^{۱۱} کمکی به پیدایش نشانه‌های دستوری

1. General noun / Generic noun

2. Quirk and et al

3. Halliday

4. Hassan

5. Partington

6. Mahlberg

7. Definite

8. Benninghoven

9. Indefinite

10. Heine

11 Grammaticalization

جنس می‌کند یا خیر. فرضیه این پژوهش این است که «اسم جنس یکی از انواع مقوله دستوری نکره است و امکانات دستوری «نکره» نقش رمزگذاری «اسم جنس» را نیز می‌توانند برعهده بگیرند.»

این مقاله، علاوه بر این بخش مقدمه، دارای چهار بخش دیگر نیز است. بخش دوم، به طبقه‌بندی اسم جنس در فارسی معاصر براساس الگوی بافت‌بنیاد بنینگ‌هوون (۲۰۱۸) اختصاص دارد. در بخش سوم، نشانه دستوری نکره در نقش رمزگذاری اسم جنس بررسی شده است تا مشخص شود که آیا امکانات دستوری نکره قابلیت رمزگذاری مفهوم اسم جنس را نیز دارند یا خیر. بخش چهارم متعلق به معرفی ضمائر جنس فارسی حاصل از فرآیند دستوری‌شدگی است. در نهایت، این مقاله با نتیجه‌گیری پایان می‌یابد.

۲- طبقه‌بندی اسم جنس براساس الگوی بنینگ‌هوون (۲۰۱۸)

در این بخش، به منظور ارائه یک تصویر واضح از مقوله «اسم جنس» در فارسی معاصر به طبقه‌بندی معنایی و بافت‌بنیاد آن از منظر الگوی بنینگ‌هوون (۲۰۱۸) می‌پردازیم. بنابراین، ابتدا در بخش (۲-۱) الگوی مذکور معرفی می‌شود. سپس، در بخش (۲-۲) اسم جنس در فارسی معاصر براساس این الگو طبقه‌بندی خواهد شد.

۲-۱- الگوی بنینگ‌هوون (۲۰۱۸)

به‌عنوان بخشی از گروه‌های اسمی پیچیده، هسته گروه‌های اسمی جنس می‌توانند معرف‌هایی^۱ با اندازه‌های متفاوت از کلمات، عبارات و بندها بگیرند. این معرف‌ها در مورد هسته گروه اسمی جنس اطلاعات بیشتری در اختیار قرار می‌دهند و به فرد اجازه توصیف دقیق‌تر و جزئی‌تر هسته گروه اسمی جنس را می‌دهند (کرک و همکاران، ۱۹۶۵:۶۵). هسته گروه اسمی جنس دارای معرف، به‌علت غنای معنایی بیشتر از هسته گروه اسمی جنس بدون معرف، معنای خاص‌تری^۲ دارد.

بنینگ‌هوون (۲۰۱۸: ۸۸-۹۷) با دو عامل معرف و ارتباط^۳ گروه‌های اسمی جنس را مورد بررسی قرار می‌دهد. به این معنا که وجود و عدم وجود هر یک از این عامل‌ها یک ابزار برای تشخیص میزان خاص بودن^۴ گروه اسمی جنس به حساب می‌آید.

از دیدگاه او گروه اسمی جنس از لحاظ ساختاری می‌تواند «+معرف» یا «-معرف» باشد. یعنی، می‌تواند معرفی داشته یا نداشته باشد. گروه اسمی جنس که هسته آن معرفی ندارد و یا قبل از توصیف‌گری^۵ ظاهر

1. Modifiers
2. More specific
3. Linkage
4. Specification
5. Determiner

نمی‌شود، گروه اسمی جنس ساده^۱ نام دارد (بایبر و همکاران، ۱۹۹۹:۲۳۰). این گروه‌های اسمی جنس ساده از لحاظ معنایی خاص نیستند و معنای بسیار کلی دارند. نمونه^۲ زیر نشان‌دهنده^۳ چنین گروه اسمی جنس است:

۱. محافظت بچه چنان مهم است که چنین خلأهایی نباید داشت. (بنینگ‌هوون، ۲۰۱۸:۸۸)

از آن‌جا که در نمونه^۲ بالا گروه اسمی جنس «بچه‌ها» هیچ معرفی ندارد و همچنین هیچ توصیف‌گری هم قبل از آن مشاهده نمی‌شود، از نوع ساده است و معنای کلی دارد و نه معنای خاص. مراد از این گروه اسمی جنس به‌طور کلی «همه^۴ بچه‌ها» است فارغ از جنسیت، سن، مکان تولد و ...

در مقابل گروه‌های اسمی جنس ساده، گروه‌های اسمی جنس که هسته^۵ آن‌ها دارای معرف یا توصیف‌گر هستند، گروه‌های اسمی جنس پیچیده^۶ نامیده می‌شوند. این نوع گروه‌های اسمی جنس غنای معنایی هسته را افزایش می‌دهند (کرک و همکاران، ۱۹۸۵:۶۵، ۱۲۳۹) و دارای معنای خاص‌تری هستند. نمونه^۷ زیر این مهم را باز می‌نماید (بنینگ‌هوون، ۲۰۱۸:۸۹):

۲. ما دسترسی به کار را اصلاح خواهیم کرد، بنابراین افراد معلول می‌توانند برای شغل درخواست دهند.

در نمونه^۸ فوق، هسته^۹ گروه اسمی جنس «افراد معلول» دارای توصیف‌کننده^{۱۰} «معلول» است. در نتیجه، معنای این گروه اسمی جنس خاص‌تر و به معنای «گروه خاصی از افراد است». معرف از هر نوعی می‌تواند باشد، مانند بندهای وابسته و محدود به کلمات نیست.

علاوه بر این، بنینگ‌هوون (۲۰۱۸) از لحاظ معنایی گروه‌های اسمی جنس را به دو دسته^{۱۱} «ارتباط» و «ارتباط» تقسیم می‌کند. منظور از «ارتباط» در این‌جا ارجاع یا اشاره^{۱۲} یک عنصر زبانی به دیگر عناصر زبانی برای تفسیر معنایی آن است (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶:۳۱)؛ اما، ذکر این نکته لازم است که مخاطب همواره برای درک یک عنصر زبانی به دانش متنی و فرامتنی (دانشنامه‌ای) خود رجوع می‌کند (اسر^{۱۳}، ۲۰۰۹:۱۳۷).

در الگوی بنینگ‌هوون (۲۰۱۸) مراد از ارتباط، ارجاع یا اشاره^{۱۴} درون‌متنی است. یعنی، اگر یک عنصر زبانی به دیگر عناصر زبانی در یک بافت متنی ارجاع یا اشاره نداشته باشد، این عنصر زبانی -ارتباط به حساب می‌آید و معنای کلی‌تر دارد. در نمونه^{۱۵} زیر این مهم قابل مشاهده است (بنینگ‌هوون، ۲۰۱۸:۹۲):

۳. ما انرژی، اندیشه و بلندپروازی لازم را برای برگرداندن بریتانیا به روزهای خوب داریم.

-
1. Simple general noun
 2. Complex general noun
 3. Esser

در نمونه بالا، گروه اسمی جنس «اندیشه برای برگرداندن بریتانیا به روزهای خوب» هیچ ارتباطی با عناصر زبانی دیگر در این بافت متنی ندارد، بنابراین -ارتباط و دارای معنای کلی است. البته، توصیف‌کننده «برای برگرداندن بریتانیا به روزهای خوب» در این گروه اسمی جنس قابل مشاهده است که از درجه معنای کلی آن می‌کاهد و به سمت معنای خاص‌تر آن را سوق می‌دهد.

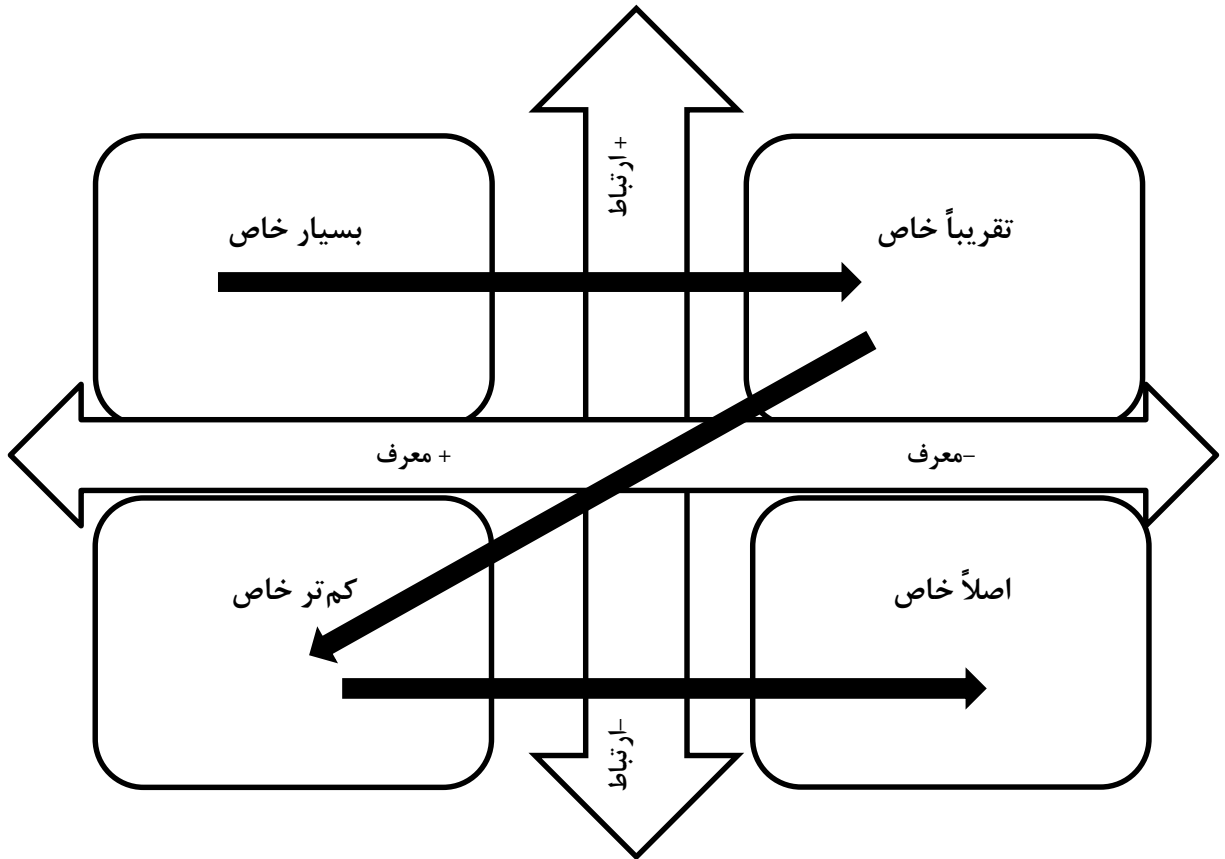
در برابر گروه‌های اسمی -ارتباط، گروه‌های اسمی +ارتباط قرار دارند. این گروه‌های اسمی به عناصر زبانی دیگر در بافت متنی ارجاع دارند. مانند نمونه زیر (بنینگ‌هوون، ۲۰۱۸: ۹۳):

۴. هنگامی که نیروهای قبلی ارتش بریتانیا جانشان را کف دستشان گرفته بودند مانند دیگر همکاران هم‌دوره خود، آیا قوانین، شرایط و رفاه آن مردان و زنان شجاع بررسی و محافظت و مراقبت می‌شود؟

در نمونه بالا، از میزان کلی بودن هر دو گروه اسمی «مردان» و «زنان» با ارجاع به گروه‌های اسمی «نیروهای قبلی ارتش بریتانیا» و «دیگر همکاران هم‌دوره خود» کاسته می‌شود.

براساس آنچه در بالا تشریح شد، گروه‌های اسمی جنس میزان خاص‌بودگی متفاوتی دارند. شکل (۱) در زیر الگوی بنینگ‌هوون (۲۰۱۸) را درمورد میزان معنی کلی‌تر یا خاص‌تر گروه اسمی جنس از «بسیار خاص^۱»، «تقریباً خاص^۲»، «کم‌تر خاص^۳» و «اصلاً خاص^۴» باز می‌نماید:

-
1. Most specific
 2. Rather specific
 3. Less specific
 4. Least specific



شکل ۱. شبکه میزان خاص بودن و کلی بودن معنای گروه‌های اسمی جنس (براساس، بنینگ‌هوون، ۲۰۱۸: ۹۶)

در شکل بالا، جهت پیکان‌ها تعمیم^۱ است، یعنی از «بسیار خاص» به سمت «اصلاً خاص» یا «بسیار کلی» حرکت می‌کند. به عبارتی، حرکت به سمت گروه‌اسمی جنس با معنای کلی‌تر است. اما، جهت مخالف این پیکان‌ها از «اصلاً خاص» به سمت «بسیار خاص است»؛ به این معنا که حرکت در جهت مخالف، در واقع حرکت به سمت گروه‌های اسمی جنس با معنای خاص‌تر است، این حرکت خاص‌گرایی^۲ نام دارد. بر این اساس، گروه‌های اسمی جنس از لحاظ معنایی دارای درجات متفاوتی از خاص بودن یا کلی بودن هستند.

1. Generalization
2. Specification

طبق این الگو، میزان خاص‌بودگی هر گروه اسمی جنس را می‌توان ارزیابی کرد. اگر در همین شکل فضایی هر نقطه‌ای را مشخص کنیم، این میزان به‌دست می‌آید. به‌عبارت دیگر، این الگو یک پیوستار است. در این پژوهش، از این الگو برای طبقه‌بندی گروه‌های اسمی جنس (در بخش بعد) در زبان فارسی بهره خواهیم برد.

۲-۲-۲- اسم جنس در زبان فارسی طبق الگوی بنینگ‌هوون (۲۰۱۸)

در این بخش از پژوهش، «اسم جنس» را در زبان فارسی معاصر براساس الگوی بنینگ‌هوون (۲۰۱۸) طبقه‌بندی کرده‌ایم.

۲-۲-۱- گروه اسمی جنس بسیار خاص

در زبان فارسی، گروه‌های اسمی جنس بسیار خاص کاربرد دارند، نمونه‌های زیر این کاربرد را بازمی‌نمایند:

۵. تو دشت پشت سر هم بلوط‌ها را می‌سوزاندند ... بلوط‌های گنده‌ی گردآلود و بن و کِهکَم تو دشت پخش و پرا بود (چوبک، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۶).
۶. کف قفس خیس بود. از فضله مرغ فرش شده بود. خاک و کاه و پوست و ارزن قاتی فضله‌ها شده بود ... خواه‌ناخواه تکشان تو فضله‌های کف قفس می‌خورد (چوبک، ۱۳۹۵: ۴۹-۵۰).

در هر دو نمونه بالا، گروه‌های اسمی «فضله‌های کف قفس» و «بلوط‌های گنده‌ی گردآلود و بن و کِهکَم»، به طبقه خاصی از اشیاء اشاره ندارند و معنای کلی را می‌رسانند، یعنی اسم جنس‌اند. در این نمونه‌ها، هسته‌های گروه‌های اسمی‌ای که زیر آن‌ها خط کشیده شده است «فضله‌های کف قفس» و «بلوط‌های گنده‌ی گردآلود و بن و کِهکَم» دارای معرف هستند و در بافت به گروه‌های اسمی ماقبل خود، یعنی به‌ترتیب، به «بلوط‌ها» و «فضله مرغ» و «فضله‌ها» ارجاع دارند که از کلی‌بودن آن‌ها می‌کاهد. بر این اساس، طبق الگوی بنینگ‌هوون (۲۰۱۸)، این دو گروه اسمی جنس «+معرف» و «+ارتباط» هستند، بنابراین در دسته گروه‌های اسمی جنس «بسیار خاص» قرار می‌گیرند. در این نمونه‌ها، نشانه جمع «-ها» به‌منظور رمزگذاری اسم جنس به‌کار رفته است، بنابراین یکی از امکانات دستوری رمزگذار اسم جنس در فارسی، «نشانه جمع» است. این کاربرد نشانه جمع، در نمونه‌هایی دیگر نیز در ادامه قابل مشاهده است.

۲-۲-۲- گروه اسمی جنس تقریباً خاص

در نمونه‌های زیر، شاهد خوانش اسم جنس تقریباً خاص گروه‌های اسمی «فضله‌ها» و «دانشجو» هستیم:

۷. کف قفس خیس بود. از فضله مرغ فرش شده بود. خاک و کاه و پوست و ارزن قاتی فضله‌ها شده بود (چوبک، ۱۳۹۵: ۴۹).
۸. دانشجوی این دانشگاه بسیار درس‌خوان بود، دانشجو الان چه کار می‌کند؟

گروه‌های اسمی «فضله‌ها» و «دانشجو»، هر دو رمزگذار یک طبقه از اشیاء هستند و نه طبقه‌ای خاص، در نتیجه خوانش اسم جنس دارند. هر دوی این گروه‌های اسمی ساده یا به عبارتی معرف‌ای ندارند. اما، هر دو در بافت ارائه‌شده به یک گروه اسمی دیگر، به ترتیب به «فضله مرغ» و «دانشجوی این دانشگاه» ارجاع دارند. بنابراین، براساس بنینگ‌هوون (۲۰۱۸) این دو گروه اسمی جنس «-معرف» و «+ارتباط» هستند که در دسته گروه‌های اسمی جنس «تقریباً خاص» قرار می‌گیرند.

۲-۲-۳- گروه اسمی جنس کم‌تر خاص

در این بخش، نمونه‌هایی از گروه‌های اسمی جنس کم‌تر خاص در زبان فارسی ارائه می‌شود:

۹. به چه روزی بزرگ شد با قطره چکان تو مطب دکترها.

۱۰. عین جعبه میوه بلند شد رو هوا.

در نمونه‌های بالا، مراد از «جعبه میوه» و «مطب دکترها» هر شیء‌ای است که جنس «جعبه میوه» و «مطب دکترها» را داشته باشد. بنابراین، این دو گروه اسمی، از دسته گروه‌های اسمی جنس هستند. در گروه اسمی جنس «جعبه میوه»، هسته این گروه اسمی، یعنی «جعبه» توصیف‌کننده «میوه» و هسته گروه اسمی جنس «مطب دکترها»، یعنی «مطب»، توصیف‌کننده «دکترها» را گرفته‌اند. در این نمونه‌ها، ارتباطی طبق الگوی بنینگ‌هوون (۲۰۱۸) این دو گروه اسمی جنس «+معرف» و «-ارتباط» هستند و در دسته گروه‌های اسمی جنس «کم‌تر خاص» قرار می‌گیرند.

۲-۲-۴- گروه اسمی جنس اصلاً خاص

در زیر، منظور از گروه‌های اسمی «کودکستان» و «گوسفند» هر چیزی است که بتوان آن را «کودکستان» و «گوسفند» نامید. در نتیجه این دو گروه اسمی، گروه‌های اسمی جنس هستند. در واقع، در زیر شواهدی از گروه‌های اسمی جنس «اصلاً خاص» در زبان فارسی آورده شده‌است:

۱۱. خلاصه رفت کودکستان.

۱۲. باباش برایش گوسفند گرفت.

در نمونه‌های بالا، دو گروه اسمی جنس «کودکستان» و «گوسفند» هیچ معرف‌ای ندارند و در بافت هم بین این گروه‌های اسمی جنس و عنصر زبانی دیگر هیچ ارتباطی مشاهده نمی‌شود. بنابراین، این دو گروه اسمی جنس براساس بنینگ‌هوون (۲۰۱۸) «-معرف» و «-ارتباط» هستند و از نوع «اصلاً خاص» به حساب می‌آیند.

در بخش بعد، به بررسی این مهم می‌پردازیم که آیا در زبان فارسی امکانات دستوری «نکره» برای رمزگذاری «اسم جنس» نیز به کار می‌روند یا خیر؟

۳- نشانه دستوری نکره در نقش رمزگذاری اسم جنس

دو اصطلاح «معرفه» و «نکره» معمولاً در رابطه با گروه‌های اسمی به کار برده می‌شوند. منظور از اصطلاح «نکره»، عدم آشنایی مخاطب با مرجع گروه اسمی است. در مقابل، اصطلاح «معرفه» به آشنایی مخاطب با مرجع گروه اسمی اشاره دارد. علاوه بر معرفه و نکره، دو اصطلاح دیگری که در ارتباط با گروه‌های اسمی به کار می‌روند، «مشخص^۱» و «نامشخص^۲» هستند. گروه اسمی که «مشخص» است مرجع آن برای گوینده آشناست. در مقابل، مرجع گروه اسمی «نامشخص» برای گوینده ناآشناست. مشخص و نامشخص معمولاً در زبان‌ها رمزگذاری نمی‌شود و بافت‌بنیاد است (دوبوا^۳، ۱۹۸۰:۲۲۴) و گاهی نشانه دستوری رمزگذار «نکره» مفاهیم «مشخص» و «نامشخص» را نیز رمزگذاری می‌کند (هاینه، ۱۹۹۷).

احمدی گیوی و انوری (۱۳۹۴:۶۵-۶۶) نشانه‌های دستوری «نکره» فارسی را در سه دسته طبقه‌بندی می‌کنند:

۱. «ی» در آخر اسم: «روزی در خیابان مردی دیدم.»
۲. «یک» در اول اسم: «نه تنها یک تشابه بین چشم‌های او و انسان وجود داشت، بلکه یک نوع تساوی دیده می‌شد.»
۳. «یک» در اول و «ی» در آخر اسم: «آقا چوپان ما گله‌اش را همان پس و پناه‌ها یک جایی ... خواباند.»

همان‌طور که مشخص است، دو نشانه دستوری نکره «حرف تعریف نکره» و «پی‌بست نکره» و همچنین ترکیبی از این دو امکان دستوری، در زبان فارسی نقش رمزگذاری معنای «نکره» را برعهده دارند (مشکین-فام، ۱۳۹۹).

براساس الگوی هاینه (۱۹۹۷) در مورد چگونگی تکوین نشانه نکره در زبان‌ها که در زیر آمده است، از مرحله چهارم به بعد، ظاهراً نشانه نکره در زبان‌ها نقش رمزگذاری اسم جنس را نیز کسب می‌کند. یعنی، مصداق

1. Specific
2. Nonspecific
3. Du Bois

خاصی در ذهن گوینده یا شنونده از آن گروه اسمی وجود ندارد. اما، این تعریف مفهوم «نامشخص» است. در ادامه، نشان خواهیم داد که مفهوم «جنس» از «نامشخص» کاملاً متمایز است.

در این الگوی پنج‌مرحله‌ای، هاینه (۱۹۹۷: ۷۶-۷۲) چگونگی پیدایش نشانه «نکره» را در زبان ارائه می‌دهد؛ این مراحل در زیر به‌طور خلاصه آمده‌اند:

۱. عدد: عنصر زبانی برای عدد «یک» وجود دارد که تنها به این معنا است،
۲. نشانه معرفی: نشانه نکره یک شرکت‌کننده را معرفی می‌کند،
۳. نشانه مشخص: نشانه نکره با اسامی مفرد کاربرد دارد و بیانگر این است که شرکت‌کننده برای گوینده آشنا و برای شنونده ناآشناست،
۴. نشانه نامشخص: هویت مرجع نه برای گوینده و نه برای شنونده آشناست،
۵. حرف تعریف تعمیم‌یافته: نشانه نکره با هر نوع اسمی به‌کار می‌رود؛ اعم از مفرد، جمع و غیرقابل شمارش.

مراحل فوق را می‌توان از منظر هم‌زمانی یا درزمانی در نظر گرفت. از منظر درزمانی، اولین مرحله قدیمی‌ترین و پنجمین مرحله، جدیدترین مرحله است. از منظر هم‌زمانی، هر مرحله ویژگی‌های مراحل قبل (و نه مرحله بعد) را شامل می‌شود. برای نمونه، «حرف تعریف نکره» در مرحله چهارم، در مقام عدد، نشانه معرفی و نشانه مشخص نیز به‌کار می‌رود؛ اما، در مقام «حرف تعریف تعمیم‌یافته» کاربرد ندارد.

در زبان فارسی، نمونه‌هایی را از کاربرد نشانه نکره در مرحله چهارم الگوی هاینه (۱۹۹۷)، یعنی کاربرد نشانه نامشخص می‌توان یافت که در زیر آمده‌اند:

۱۳. در واقع، یک جوری ارتباطات عمل‌کردی منظور ارتباطاتی که از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی بین یک محله با منطقه ... وجود دارد.
۱۴. دلم می‌خواست آن موقع‌ها یه چتر داشته باشم فکر کنم توی مهد کودک دیده بودم بقیه بچه‌ها چتر داشتند.
۱۵. الف. کجا بریم؟ ب. بریم برنجی بخیریم و گوشتی بخیریم و بیایم.
۱۶. رفتی بیرون یه عروسکی براش بخر.

در تمام نمونه‌های بالا، مواردی که زیر آن‌ها خط کشیده شده‌است، نشانه نکره، مشخص‌نبودن مرجع گروه اسمی را برای گوینده و شنونده می‌رساند. اما این مفهوم با مفهوم اسم جنس متفاوت است. در ادامه، ابتدا سه معیار برای نشان‌دادن این تفاوت آمده‌است، سپس علت این تفاوت تشریح شده‌است.

- I. جایگزینی: هنگامی که اسم جنس در جایگاه مبتدا است، قابلیت جایگزینی با گروه اسمی نامشخص را ندارد. بنابراین، این دو نوع گروه اسمی متفاوتند و متعلق به یک مقوله دستوری نیستند. نمونه زیر این مهم را بازمی‌نماید:
۱۹. الف) کتاب/کتاب‌ها دوست انسان است/هستند.
۲۰. ب) *کتابی/کتاب‌هایی دوست انسان است.
- II. کاربرد کلمه «انواع»: کلمه «انواع» که صورت جمع «نوع» است، قبل از گروه اسمی نامشخص قابلیت کاربرد ندارد. زیرا، این کلمه به یک نوع یا طبقه از یک چیز اشاره می‌کند، یعنی همان معنای اسم جنس. بنابراین، با گروه اسمی نامشخص ناسازگار است. اما، این کلمه قبل از اسم جنس که با این معنا کاملاً منطبق است، به کار می‌رود. در زیر این مشخصه قابل مشاهده است:
۲۱. الف) انواع کتاب/کتاب‌ها این‌جا هست.
ب) *انواع کتابی/کتاب‌هایی این‌جا هست.
- III. کاربرد صفت مبهم: صفت‌های مبهم هر، همه و ... که به وجود یک نمونه از یک نوع اشاره دارند، با اسم جنس همراه نمی‌شوند، اما با اسم نامشخص همراه می‌شوند. نمونه زیر بازگوکننده این مطلب است:
۲۲. الف) هر/همه گلی در این فروشگاه پیدا می‌شود.
ب) *هر/همه گل در این فروشگاه پیدا می‌شود.
- هر سه معیار بالا نشان‌دهنده تمایز مفهوم «نامشخص» و مفهوم «جنس» هستند. در واقع، نشانه نکره باعث ایجاد یک پوشه کلامی در مورد یک نمونه از یک نوع در ذهن می‌شود. حتی زمانی که این نشانه مفهوم «نامشخص» را رمزگذاری می‌کند، باز هم این پوشه کلامی برای یک نمونه یا مفهوم از یک نوع ایجاد می‌شود و درحقیقت گروه اسمی مورد نظر یک هویتی را به‌شکلی داراست. درمقابل، اسم جنس به یک نوع اشاره دارد و نه یک نمونه از یک نوع و پوشه کلامی ایجادشده به یک طبقه از اشیاء ارجاع می‌دهد که همه اعضای آن به‌طور برابر مورد ارجاع هستند. بر این اساس، می‌توان اظهار داشت که تنها نشانه‌های رمزگذار «اسم جنس» در زبان فارسی «بی‌نشانی» و «نشانه جمع» هستند و نشانه نکره هنوز برای رمزگذاری مفهوم «جنس» دستوری نشده‌است. فرآیند دستوری‌شدگی تنها به وجود ضمائر جنس کمک کرده‌است که در بخش بعد به آن می‌پردازیم.

۴- ضمائر جنس حاصل فرآیند دستوری شدگی

دستوری شدگی فرآیند تاریخی‌ای است که از رهگذر آن عناصر واژگانی معنا یا نقش دستوری کسب می‌کنند یا عناصری که قبلاً نقش دستوری داشته‌اند، ویژگی‌های دستوری بیشتری به دست می‌آورند، یا به عبارتی دستوری‌تر می‌شوند. در این فرآیند، عناصر زبانی استقلال صوری و معنایی خود را از دست می‌دهند. این تغییر تدریجی را با نمودار دستوری شدگی^۱ در زیر می‌توان بازنمایید (هاپر^۲ و تراگوت^۳، ۲۰۰۳: ۷):

۲۳. جزء واژگانی آزاد < کلمه نقشی > واژه‌بست < وند تصریفی

براساس نمودار بالا، از رهگذر دستوری شدگی عناصر واژگانی دارای معنای قاموسی ابتدا به کلمات نقشی تبدیل می‌شوند، سپس به صورت واژه‌بست درمی‌آیند و در ادامه واژه‌بست‌ها به وند تصریفی تبدیل می‌شوند.

در مورد مفهوم جنس می‌توان اظهار داشت که این فرآیند به پیدایش ضمیرهایی که به یک طبقه یا یک نوع اشاره دارند، کمک می‌کند. این فرآیند در زبان‌های جهان بسیار متداول است. در زیر انواع منابع واژگانی و دستوری که در زبان‌های جهان طی فرآیند دستوری شدگی به ضمیر جنس تبدیل شده‌اند و در فارسی نیز وجود دارند، آمده‌است:

I. کلمه «انسان» < ضمیر جنس (هاینه و کوتوا^۴، ۲۰۰۴): ضمیر «آدم» در فارسی معنای جنس را می‌رساند و منظور یک طبقه یا نوع است و نه یک نمونه از یک نوع. جمله زیر معنای جنس این ضمیر را به خوبی نشان می‌دهد:

۲۴. آدم باید آدم باشه!

در نمونه بالا، نخستین «آدم» ضمیر جنس دستوری است؛ به معنای نوع انسان و مراد از دومین کلمه «آدم»، معنای قاموسی رفتار و ویژگی‌های انسانی است.

II. ضمائر جمع < ضمیر جنس (سیویرسکا^۵، ۲۰۰۴): ضمائر جمع اول شخص، «ما» و دوم شخص، «شما» در فارسی به ضمیر جنس تکوین یافته‌اند. در نمونه‌های زیر این کاربرد مشخص است:

۲۵. ما تسلیم نمی‌شویم.

در این نمونه، مراد از «ما» یک نوع، برای مثال «ملت» است.

۲۶. شما باهوش هستید.

1. Cline of grammaticality

2. Hopper

3. Traugott

4. Kuteva

5. Siewierska

در مورد بالا نیز منظور از «شما» می‌تواند نوع «دانشجو» باشد و نه یک نمونه.

- III. ضمایر مفرد < ضمیر جنس: در فارسی ضمایر مفرد اول شخص و دوم شخص، «من» و «تو»، نیز در مقام ضمایر جنس کاربرد دارند، اما از آن‌جا که هنوز در ابتدای مسیر دستوری‌شدگی هستند، برای رفع ابهام و رساندن بهتر معنای جنس، کلمه «نوعی» گاهی با آن‌ها همراه می‌شود. نمونه - های زیر از این دست موارد کاربرد آن‌ها هستند:
۲۷. من (نوعی) درس خواندن را دوست دارم.
در جمله بالا، «من» می‌تواند به نوع یا طبقه برای نمونه «دانش‌آموز» اشاره کند.
۲۸. تو (نوعی) سخت‌کوش هستی.
در این مورد نیز، «تو» به یک نوع ارجاع می‌دهد، همانند «یک گروه سنی خاص».

همان‌طور که مشاهده شد، ضمایر جنس می‌توانند از رهگذر دستوری‌شدگی به وجود آیند. در مورد (۱)، حرکت از کلمه واژگانی یا معنای قاموسی به سمت کلمه نقشی یا معنای دستوری است. اما، در دو مورد بعدی، حرکت به سمت کسب معنای دستوری بیشتر یا دستوری‌تر شدن است.

۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به بررسی مقوله «اسم جنس» در زبان فارسی پرداختیم. براساس الگوی بافت‌بنیاد بنینگ- هوون (۲۰۱۸)، زبان فارسی هر چهار نوع «اسم جنس»، یعنی «بسیار خاص»، «تقریباً خاص»، «کم‌تر خاص» و «اصلاً خاص» که در زبان‌های جهان وجود دارند را رمزگذاری می‌کند. علاوه بر این، با ارائه استدلال‌هایی نشان دادیم که مفهوم «نامشخص»، یعنی عدم آشنایی مصداق گروه اسمی برای گوینده و شنونده با مفهوم «اسم جنس» کاملاً متفاوت است. به این صورت که مفهوم «نامشخص» یک نمونه را از یک نوع و مفهوم «جنس» یک نوع را رمزگذاری می‌کند. به عبارتی، برخلاف فرضیه پژوهش حاضر، نشانه نکره قابلیت رمزگذاری مفهوم «جنس» را در دستور ندارد. در نتیجه، در زبان فارسی «اسم جنس» به‌عنوان یک مقوله دستوری مجزا می‌تواند بی‌نشانه باشد یا با نشانه جمع رمزگذاری شود. در پایان، ضمایر جنس «من، تو، ما و شما» معرفی شدند که حاصل فرآیند دستوری‌شدگی هستند

منابع

- احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۹۴). *دستور زبان فارسی ۱*. ویرایش چهارم. تهران: فاطمی.
- چوبک، صادق. (۱۳۹۵). *انتری که لوطیش مرده بود*. تهران: انتشارات جاویدان.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۷۱). *دستور زبان فارسی*. چاپ پنجم. تهران: دیبا.
- طباطبایی، علاءالدین. (۱۳۹۵). *فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی*. تهران: مجموعه فرهنگ‌های فارسی.
- مشکین فام، مهرداد. (۱۳۹۹). *دستوری‌شدگی حرف تعریف نامعین براساس دستور ساختی*. رساله دکتری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
- معین، محمد. (۱۳۴۲). *اسم جنس و معرفه و نکره*. ویرایش چهارم. تهران: امیرکبیر.
- هدایت، صادق. (۱۳۳۰). *حاجی آقا*. تهران: انتشارات جاویدان.

- Benninghoven, V. (2018). *The Functions of 'General Nouns' theory and corpus analysis*. In Thomas Kobnen & Joybrato Mukberjee (eds.), *English corpus linguistics*, 17. Berlin: Peter Lang.
- Biber, D., S. Johansson, G., Leech, S., Conrad., & E. Finnegan. (1999). *Longman Grammar of Spoken and Written English*. Harlow: Longman.
- Du Bois, J. W. (1980). Beyond definiteness: The trace of identity in discourse. In R. O, Freedle (Eds.) *The pear stories: Cognitive, cultural, and linguistic aspects of narrative production*, 3, 203-274. New Jersey: ABLEX publishing cooperation.
- Esser, J. (2009). *Introduction to English Text-Linguistics*. Frankfurt a.M.: Peter Lang.
- Halliday, M.A.K., & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Heine, B. (1997). Indefinite articles. In B, Heine (Eds.), *Cognitive Foundations of Grammar*, 66-82. New York: Oxford University Press.
- Heine, B., & Kuteva, T. (2004). *World lexicon of grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hopper, P. J., & Traugott, E. C. (2003). *Grammaticalization*. 2nd Edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mahlberg, M. (2005). *English General Nouns: A Corpus Theoretical Approach*. Amsterdam: John Benjamins.
- Partington, A. (1998). Patterns and Meanings. *Using Corpora for English Language Research and Teaching*. Amsterdam: John Benjamins.
- Siewierska, A. (2004). *Person*. Cambridge: Cambridge University Press.